



احمدغلامی

شاید تقلیل‌گرایانه باشد که ایدهٔ «دازاین» هایدگر در- جهان- بودن را این‌گونه صورت‌بندی کرد: در- ایران- بودن. اما این صورت‌بندی سخت به کار می‌آید، چراکه در ایران بودن، حقیقت و واقعیتی نهفته است که در بحران‌های سیاسی می‌تواند برای مردم راهگشا باشد. در این وضعیت است که مردم قادرند جهت سیاسی خود را پیدا کنند. جهت‌یابی‌ای که وابسته به جغرافیا است. به گفتهٔ ژیل دلوز «اندیشه بر محورها و جهت‌یابی‌ها حرکت می‌کند و پیش از آنکه تاریخ داشته باشد صاحب جغرافیاست». خارج از جغرافیا و اندیشیدن و راه‌حل دادن دربارهٔ آن جغرافیا اگر کاری نشدنی نباشد کار سختی است. سخت‌تر از آن، کار مردمی است که بخواهند در جغرافیای خود کورمال‌کورمال جهت‌شان را پیدا کنند، آن‌هم بدون راهنما یا بلد راه. چراکه اغلب راهنمایان اعتبار خود را از دست داده‌اند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت مردم نمی‌توانند به راهی که آنان نشان می‌دهند اعتماد کنند، چون اغراض شخصی نهفته در جهت‌یابی آنان بویی از خیر عمومی نبرده است. دشواری جهت‌یابی سیاسی در این مسیر همان وضعیتی است که گریبان‌گیر جامعه کنونی ایران است. مردمی که ناچارند به اتکای عقل خود و تجربه زیسته‌شان سمت درست را از نادرست تشخیص دهند. روشنگری چیزی نیست جز همین که خودمان بیندیشیم، روشنگری یعنی سهم آزادی و رها نکردن آزادی و واگذار نکردن اندیشه به دیگری که جای ما بیندیشد. این توفیق اجباری اندیشیدن، قسمت مردم ایران شده است؛ چراکه مردم باور عقلانی خودشان را به همه مرجعیت‌های سیاسی از دست داده‌اند و ناچارند با تکیه بر دانش و تجربه خود جهت‌یابی کنند. به تعبیر کانت، «من در تاریکی می‌توانم خودم را در اتاقی که برایم آشناست جهت‌یابی کنم، اگر بتوانم فقط یک ایزه را که مکانش را به یاد می‌آورم لمس کنم. اما روشن است که تنها چیزی که در اینجا به من کمک می‌کند توانایی تعیین موقعیت اشیا براساس تمایزگذاری سوسوزکتیو است؛ چون من به‌هیچ‌وجه نمی‌توانم ایزه‌هایی را ببینم که قرار است موقعیت‌شان را بیابم؛ و اگر کسی برای شوخی ترتیب ایزه‌ها را بر هم زند، چیزی را که قبلا سمت راست بود سمت چپ بگذارد، به‌هیچ‌وجه نمی‌توانم در چنین اتاقی که دیوارهایش شبیه به هم هستند اشیا را بیابم. اما می‌توانم به‌سرعت خودم را با احساس محض تمایز بین دو طرفم، یعنی راست و چپ، جهت‌یابی کنم. این اتفاق است که وقتی در شب در خیابان‌هایی آشنا راه می‌روم که اکنون هیچ‌یک از خانه‌های آن را نمی‌شناسم و باید مسیرم را بیابم رخ می‌دهد». دو نکته مهم در این مثال وجود دارد که می‌توان به شکلی انضمامی از آن برای تبیین مفهوم در- ایران- بودن استفاده کرد. جریان‌های سیاسی موجود در ایران برای منافع خود بسیاری از مفاهیم سیاسی را دستکاری و جابه‌جا کرده و آنان را از ریخت انداخته‌اند. به‌گونه‌ای که این تعابیر نتنها از معنای واقعی خود تهی شده بلکه همچون اشیای جابه‌جا شده در اتاقی تاریک جهت نادرست را نشان می‌دهد. ازین‌رو است که در رویدادهای سیاسی کنونی ازجمله انتخابات، مردم خود باید راهگشایی کنند. چندان اعتمادی به جریان‌ها و چهره‌های سیاسی که تا دیروز نقش قطب‌نما یا بلد راه را داشته‌اند، ندارند. دشواری دیگر مردم این خانه این است که کسانی که خارج از این خانه نشانی مقصد و مقصود را می‌دهند. آنان فرض در-جهان- بودن را مطابق در-ایران- بودن می‌گذارند و از این رهگذر درصددند بلد راه باشند. اما در دهه‌های گذشته با فرازوفرودهای بسیار روزگار و حوادث بی‌شمار سیاسی مردم خود یاد گرفته‌اند راهشان را چگونه به مدد عقل بازایابند. آنان دیگر توصیه‌پذیر نیستند، به‌ندرت تهییج می‌شوند و این اتفاق بزرگی است که رخ داده و دست تهییج‌کنندگان را از این بازی وسوسه‌انگیز که برای منافع خود از هر ترفندی استفاده می‌کردند کوتاه کرده است. ما اینک با مردم واقعی ایران روبه‌رو هستیم که در خانه خودشان درصددند راهشان را به یاری یکدیگر بیابند: جهت‌یابی در اندیشه، کاری جمعی است نه فردی. تنزل آرای اصول‌گرایان در دور اول انتخابات ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد توده‌ای که همواره از اصول‌گرایان حمایت می‌کردند باورشان را به آنان از دست داده‌اند. آن‌ها که از این رای سازمانی به هر دلیلی خارج شده‌اند به خیل مردمی پیوسته‌اند که آزادند به دیگری رای بدهند یا به هر دلیلی رای ندهند.



فوق العاده

شبه ۱۶ تیر ۱۴۰۳  
 ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۵  
 ۶ جولای ۲۰۲۴  
 سال بیست‌ویکم  
 شماره ۴۸۷۲  
 صفحه ۴  
 صفحه

پزشکیان رئیس‌جمهوری ایران شد

# نسیم خوش پیروزی

با رای قاطع مردم در روز گذشته مسعود پزشکیان چهاردهمین رئیس‌جمهور منتخب ایران شد و به زودی سکان هدایت دولت را به دست خواهد گرفت. دیروز رقابت فشرده انتخابات پیش از موعد ریاست‌جمهوری با حضور معنادار ایرانیان چه در دور اول و چه دور دوم پایان گرفت و تا زمان تنظیم این گزارش براساس آمار منتشر شده از مشارکت و میزان آرای دو نامزد و احتمال قوی ادامه روند فعلی باید گفت که اصلاح‌طلبان بعد از ۱۹ سال توانسته‌اند نامزد خود را باسورنشین کنند؛ آن‌هم در فضایی رقابتی غیر قابل پیش‌بینی و متکی بر آرای مردمی که مدت‌ها بود عطای مشارکت را به لقایش بخشیده بودند. اما صداقت مسعود پزشکیان که اجازه داد حتی در برابر شرایط سخت میدان رقابت وعده‌ای غیر قابل اجرا دهد، بر رقیب بنامزد یا تهمت ناروا برزند، مهم‌ترین عاملی بود که اعتماد رای‌دهندگان را جلب کرد. نتیجه انتخابات چهاردهم نشان داد مردم آگاهانه به نگاه کارشناسی، برنامه‌های واقعی و تیم حرفه‌ای یک نامزد رای می‌دهند و از دوره کسب رای با وعده‌های خیالی بسیار گذشته و آنچه برای ایرانیان اهمیت دارد، فردای بهتر برای ایران است نه حتی امروز خودشان. ایرانیان در مسیر مشق دموکراسی گامی بزرگ و تاثیرگذاری را برداشته‌اند و می‌دانند به دنبال معجزه نیستند؛ زیرا خود معجزه واقعی دیروز بودند. مردمی که با تردید مشترک برای حضور پای صندوق رای، برای ایران تصمیمی بزرگ گرفتند؛ پای صندوق رای رفتند تا نشان‌دهند مسیر روشن و هدف واضح است. بازگشت به عقبی وجود ندارد و همه برای فردای ایران دولت اول مسعود پزشکیان را رقم زدند. بیروز میدان رقابت چهاردهم مردم هستند و نتیجه رفتار سیاسی‌شان انتخابی اصلاح از جنس خودشان است. مردی که حتی دشمنانش هم به صداقت، شرافت و پاک‌سستی و مهم‌تر از همه ماندن بر سر وعده و فرارش شهادت می‌دهند. او اکنون امید روزهای روشن ایران فراست و اعتماد میلیونی ایرانیان به دستشان او و تیم کارشناسی‌اش گره خورده است. با آرامشی که از او در مناظره‌ها دیدیم، از شفافیت و عدالتی که از او در برنامه‌های تبلیغی دیدیم، از عزت نفس و ایمانی که از او سراغ داریم و مهم‌تر از همه ندانستن جب قدرت و گذاشتن گردنش پای وعده‌هایش. با جان تازه‌ای که از انتخاب چهاردهم گرفته‌ایم به تلاش خود برای ساخت دوباره وطن در کنار هم با حضور یک رئیس‌جمهور مدبر و مدیر و البته محبوب و مردمی ادامه خواهیم داد. انتخابات چهاردهم که در دور اول با حضور کمتر از ۴۰ درصد به پایان رسید، در دور دوم با حماسه حضور و اعتماد دوباره مردم به بیش از ۵۰ درصد رسید. تا زمان تنظیم این گزارش برخی رسانه‌ها پیروزی پزشکیان را پذیرفتند و حتی فاصله سه‌میلیونی بین آرای او و جلیلی را پیش‌بینی کردند.

پادداشت

## آیا فردا، در فردا بیدار می‌شویم؟



مهرداداحمدی شیخانی

خواسته یا ناخواسته، در جاهایی قابل مشاهده است. برای کشور ما یکی از مهم‌ترین جاهایی که می‌توان این پیوستگی و حتی چسبندگی را مشاهده کرد، انتخابات است. از همین روست که در هیچ کجای جهان، انتخابات همچون کشور ما معنایی چندوجهی ندارد. انتخابات تا آنجایی که من می‌دانم در همه کشورهای جهان، فقط و فقط یک معنا دارد، انتخاب افرادی که قرار است کارهای مشخصی را برای کشور و مردمشان انجام دهند. مردم به پای صندوق رای می‌روند تا کسی یا کسانی را برگزینند تا طی دوره‌ای مشخص، بعضی کارها را انجام دهند یا حتی برخی از کارها را انجام ندهند؛ همین و بس. ولی در کشور ما بعد از ۱۲۰ سال

هفته پیش، چند ساعت به شروع رای‌گیری پادداشتم را نوشتم، بی‌توجه به اینکه نتیجه چه خواهد بود. اما این هفته صبر کردم تا ساعتی از شروع رای‌گیری بگذرد تا بتوانم تصویری کلی از آنچه در شعبه‌های اخذ رای می‌گذرد، به دست آورم تا بلکه آنچه می‌نویسم با تصویر عمومی هماهنگ باشد و نوشته‌ام رنگ آرزوهایم را نگیرد. تا این ساعت که مشغول نوشتنم، یک چیز مشهود است و آن حضور معنادار مردم پای صندوق‌های رای است، همان‌طور که حضور حداقلی مردم در انتخابات هفته پیش هم معنادار بود. حضوری که کمترین درصد تعداد واجدین شرایط رای‌دادن را در کشورمان طی این ۴۵ سال به ثبت رساند. اتفاقی که خواسته دو گروه بود و برای رسیدن به این درصد، تلاش بسیاری در این ۴۵ سال داشتند هرچند موضوع پادداشتم این تلاش نیست و وقتی دیگر باید به آن بپردازم، دوست داشته باشم یا نه، انقلاب یک کنش مردمی است و حتی اگر آن قدر زمان بگذرد تا مردمی که انقلاب کردند دیگر در قید حیات نباشند، ولی تا زمانی که هنوز پیوندهای اجتماعی با آن انقلاب وجود داشته باشد، برآیند این پیوندها، چه بار مثبت داشته باشند و چه منفی، حکایت از ادامه یا پایان عمر آن پیوستگی دارد و البته قطعا یک روز این پیوستگی بخشی از تاریخ خواهد شد، همان‌طور که حضور انقلاب مشروطه در جامعه، بیشتر وجهی تاریخی دارد، اما انقلاب ۵۷ هنوز تاریخی نشده، برای همین پیوستگی اجتماعی با آن همچنان معنادار است و این معنا،

از انقلاب مشروطه و ۴۵ سال از انقلاب ۵۷، انتخابات و رای‌دادن هنوز چنین معنایی نیافته و هنوز انکار در ۱۲ در دین ۵۸ قرار داریم. این معنا فقط در بین مردم نیست که حاکمان هم گویی هر انتخابات را چنین می‌بینند و اصرار دارند که حتما همین باشد. اینکه در هفته گذشته و ساعتی پیش از پایان رای‌گیری، پیامکی از سوی وزارت کشور به همه گوشی‌های همراه فرستاده و در آن رای‌دادن مطابق دیدگاه خودشان تفسیر کرده بودند، به هر قصدی که فرستاده شده باشد و هدف از آن، رسیدن به هر هدفی که باشد، یک معنا بیشتر ندارد و آن هم اینکه هنوز برخی از ما، چه در حکومت و چه در بین مردم، همچنان در وضعیت ۱۲ فروردین سال ۵۸ قرار داریم و ذهنمان از آن جدا نشده و انکار هر بار که مردم پای صندوق رای می‌روند، قرار است آن رخداد را دوباره تکرار کنند. اینکه بعد از ۴۵ سال، هنوز بخشی از مردم و بخشی از حکومتگران نتوانسته‌اند از آن روز عبور کنند، قطعا احتیاج به تحلیل و بررسی دارد. اینکه این همه سال از آن روز خاص گذشته، ولی هنوز در آن روز گرفتار مانده باشیم، بیشتر به فیلم‌های علمی تخیلی می‌ماند، به یک فضایی که در آن گیر کرده باشیم یا به یک ماشین زمان یا بهتر است بگوییم به داستان کسی که هر شب که می‌خواهد، فردا صبح که بیدار می‌شود، به جای اینکه در فردا بیدار شود، در دیروز بیدار می‌شود.